

متن پرسش

سلام خدا قوت: در ذیل پرسش شماره ۳۸۹۴۶ در تمام موارد این‌چنینی و از این قبیل گرفتاری‌ها، ارجاع به معرفت‌النفس می‌دهید. شاید هنوز که هنوز است جایگاه معرفت‌النفس و نحوه رجوع به آن مشخص نیست، البته به نظر بنده. زیرا برای خودم چقدر نگاه کردن سنگین است. طاهرزاده و امثال ایشان که رجوع به معرفت‌النفس دارند، در وجود و بیکرانگی‌اش سیر کرده‌اند و راه را در وجود خویش در رجوع به معرفت‌النفس یافته‌اند. در لینک معرفی شده باز با ده نکته و شرح آن مواجه شدم. شاید این ده نکته را بد می‌خوانم یا تصور غلطی از شناختن دارم. نمی‌دانم! من هنوز اوراق نشستم تا همدرس شوم. قطعاً شما هم می‌دانید و رنج و نشدندش را تجربه کرده‌اید که تغییر عالم و عوض شدن رویکرد بسیار مشکل است. چه کنیم تا این سختی ناامیدمان نکند. حال این بنده و شاید دیگرانی که پای‌مان لنگ است از این رفتن و از این سیر. شاید هم به قول شما در نقل از مولوی زکام دنیا شده‌ایم و بویی استشمام نمی‌کنیم. انتظار پاسخ نداریم. انتظار توصیه اخلاقی نداریم. غر هم نمی‌زنیم. از نشدن خسته می‌شویم و ملول و پر ملال. و باز قصه دلاک و تیغ کهنه‌اش یادمان می‌آید. به ما به اشارت بگویید که چه کنیم و چگونگی مواجهه‌مان را، حتی چگونه خواندن کتاب‌های معرفت‌النس را متذکر شوید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همانند بسیجیان اصیل ذیل شخصیت رهبر معظم انقلاب به حضور تاریخی بیندیشید که با انقلاب اسلامی پیش آمده و وقتی مدّ نظرتان امثال حاج قاسم و شهید آوینی و حتی شهید یحیی سنوار قرار گرفت و در تاریخی که یک گروه، آری! یک گروه به نام حزب الله، استکبار در نماد رژیم صهیونیستی راشکست داد، وقتی چنین افقی مقابل‌تان گشوده شود، برای حضور بیشتر در آن تاریخ و در آن افق؛ باید انسان بیشتر از دیروز و با عمقی بیشتر شناخته شود و «معرفت نفس» در این رابطه شروع خوبی است. زیرا هنوز انسان و باز انسان باید فهمیده شود. موفق باشید